

شمه‌ای از عدالت علوی

حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو، استاد حوزه و مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه

• تعریف عدالت اجتماعی

علامه شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله، می‌نویسد: عدالت در مفهوم وسیعش، عبارت است از: دادن حق صاحبان استحقاق، بدون هیچ تبعیضی به آنها. اگر حق هیچ صاحب حقی ادا نشود، برخلاف عدالت است؛ همچنان‌که اگر تبعیض باشد و حق بعضی داده شود و حق بعضی دیگر داده نشود، باز برخلاف عدالت است. عدالت از این منظر، ملازم با مساوات است؛ یعنی به همه به چشم مساوی نگرستن و تبعیض قائل نشدن. لازمه این‌گونه مساوات، عدالت است؛ یعنی اینکه به هر کسی طبق استحقاقش داده شود؛ اگر زیاد استحقاق دارد، زیاد داده شود و اگر کم استحقاق دارد، کم داده شود و در این جهت تبعیضی صورت نگیرد.

بنابراین، عدالت اجتماعی درواقع، ارزشی است که با رعایت آن، هرکس در جامعه به حق شایسته خویش می‌رسد.

• عدالت در سیره علوی مقدمه

عدالت از رسالت‌های اصلی تمام پیامبران الهی و از آرمان‌های همه انسان‌ها در طول حیاتشان است. عدالت از جمله اموری است که خوبی آن به‌وسیله عقل، قابل تشخیص است و اجرای آن تابع شرط و مصلحت نیست و خود بالاترین مصلحت‌هاست؛ به‌همین علت است که عدالت، دوست و دشمن و مؤمن و کافر نمی‌شناسد و همه را به یک چشم می‌نگرد. اینجاست که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلْقَوِّىِّ مِمَّا دَا دُشْمَنِی قَوْمِی شَمَا رَا وادارد که عدالت نورزید؛ به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است.﴾

عدالت، محوری‌ترین، استوارترین، بنیادی‌ترین و شامل‌ترین مسأله سیاست و حکومت علوی است. نام مقدس امام علی علیه‌السلام، آن چنان با عدالت در آمیخته است که عدالت را تداعی می‌کند. عدالت، همواره سرمشقی مهم در زندگی امیرمؤمنان علیه‌السلام بود و اولین مظلوم عالم، در راه اجرای عدالت و گسترش قسط، شهد شهادت نوشید.

تأمل در کلام حضرت علی علیه‌السلام، جایگاه عدالت را بیش از پیش در اذهان روشن خواهد کرد. فردی، از آن جناب پرسید: «أَيُّهَمَّا أَفْضَلُ؟ الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟ آیا عدالت، [شریف‌تر و] بالاتر است یا بخشندگی؟»

درواقع، پرشگور از دو صفت والای انسانی پرسیده است که تنها در انسان‌های متعالی وجود دارد. بشر، همواره از ستم، گریزان بوده و احسان به دیگران را در حق خویش، تحسین کرده و ستوده است. پاسخ پررش بالا شاید در وهله اول، خیلی آسان به نظر برسد. جود و بخشندگی از عدالت بالاتر است؛ زیرا عدالت، رعایت حقوق دیگران و تجاوزنکردن به حدود و حقوق آنهاست؛ اما جود، این است که آدمی با دست خود، حقوق مسلم خود را نثار غیر می‌کند. فردی که با عدالت رفتار می‌کند، به حقوق دیگران تجاوز نمی‌نماید و یا حافظ حقوق دیگران است؛ اما آنکه جود می‌کند، فداکاری می‌کند و حق مسلم خود را به دیگری واگذار می‌کند؛ پس جود بالاتر است؛ ولی علی علیه‌السلام، به دو دلیل می‌فرماید که عدل از جود بالاتر است؛ نخست اینکه: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا عَدْلٌ، أَمْرٌ [و جریان‌ها] را در مسیر [و مجرای طبیعی] خود قرار می‌دهد؛ اما جود، آنها را از مجرای [طبیعی] خود خارج می‌سازد.»

دیگر اینکه می‌فرماید: «الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ؛ عدالت، قانونی است عام [که همه اجتماع را در برمی‌گیرد]؛ اما بخشش، یک حالت عارضی و خاص است» که اگر جنبه قانونی و عمومی پیدا کند و کلیت یابد، دیگر جود نیست.

حضرت، آنگاه نتیجه می‌گیرد: فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا؛ پس از میان آن دو (عدالت و جود)، عدالت، اشرف و افضل است.

آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و به پیکر اجتماع، سلامت و به روح اجتماع، آرامش بدهد، عدالت است.

• عدالت اجتماعی در گفتار امیرمؤمنان علیه‌السلام

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، حکومت را برای تحقق عدالت پذیرفت و آن را جز در این مسیر نمی‌خواست؛ فرمود: «لَوْ لَا حُضُورُ الْخَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودُ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَی الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقْرَءُوا عَلَی كِطَافٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ، لَا تَقْبِثُ حَبْلَهَا عَلَی غَارِبِهَا وَلَسَقِثَتْ آخِرُهَا بِكَاسِ أَوَّلِهَا؛ اگر حضور [قراوان] بیعت‌کنندگان نبود و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند، از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته [رهایش می‌کردم] و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌ساختم.»

آن حضرت، نقش عدالت را چنین بیان فرموده: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قَوَامًا لِلْأَنَامِ وَتَنْزِيْهَا مِنْ الْمَظَالِمِ وَالْأَنَامِ وَتَشْبِيْهِهَ لِلْإِنْسَانِ؛ خدای سبحان، عدالت را مایه برپایی انسان‌ها [و ستون زندگانی آنها] و سبب پاک‌ی از ستمکاری‌ها و گناهان و روشنی چراغ اسلام قرار داده است.» و نیز فرموده: «بِالْعَدْلِ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ؛ با عدالت، رعیت اصلاح می‌شوند.»

درواقع، جامعه‌ای که عدالت در آن برپا نیست، فاقد حیات انسانی و زندگانی معنوی است و دیانتی که در آن، اهتمام به برقراری عدالت نیست، مایه گمراهی است و حکومتی که عدالت، هدف آن نیست و در راه برقراری عدالتی همه‌جانبه و فراگیر گام نمی‌زند، در مسیر هلاکت است؛ زیرا اصلاح دین و دنیای مردمان، به‌وسیله عدالت، ممکن است.

در فرمایشات امام علی علیه‌السلام،

چنین وارد شده: «الْعَدْلُ خِيَاةُ؛

عدالت زندگی است.»

«الْعَدْلُ خِيَاةُ الْأَخْكَامِ؛ عدالت، حیات احکام

[دین] است.»

«عَدْلُ السُّلْطَانِ خِيَاةُ الرَّعِيَّةِ وَصَلَاخُ الْبَرِيَّةِ؛ عدالت زمامدار،

حیات مردمان و مایه صلاح [احوال] خلق است.»

امیرمؤمنان علیه‌السلام، در راه تحقق این هدف والا، همه سختی‌ها و مخالفت‌ها را به جان خرید و در همین راه به شهادت رسید که درباره‌اش گفته‌اند: «قُتِلَ فِي مِخْرَابِهِ، لِشِدَّةِ عَدْلِهِ؛ او در محراب عبادت خویش به‌سبب شدت عدالتش کشته شد.»

در ادامه، بخش‌هایی از کلام مولای متقیان علیه‌السلام را— که روشنگر ابعاد مختلف مهمترین رکن عدالت (عدالت اجتماعی) است— بیان می‌کنیم.

الف) رعایت انصاف با بندگان خدا

حضرت علی علیه‌السلام، در فرمان خود به مالک اشتر چنین فرمود: «نَصِيفَ اللَّهِ وَأَنْصِيفِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَمِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَمَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رِعْيَتِكَ فَإِنَّكَ لَا تَفْعَلُ تَظْلِمَ وَمَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصَمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَذْخَصَ حُجَّتَهُ وَكَانَ لِلَّهِ خِزْيًا حَتَّى يَبْرَحَ أَوْ يَتَوَبَ وَلَيْسَ شَيْءٌ أَذْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةُ الْمُضْطَّهِدِينَ وَهُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمُضَادِّ؛نسبت به خداوند و نسبت به مردم از جانب خود و از جانب افراد خاص خاندانت و از جانب رعایایی که به آنها علاقه‌مندی، انصاف به خرج ده که اگر چنین نکنی، ستم کرده‌ای! او کسی که به بندگان خدا ستم کند، خداوند پیش از بندگان، دشمن او خواهد بود و کسی که خداوند، دشمن او باشد، دلایش را باطل می‌سازد و با او به جنگ می‌پردازد تا دست از ظلم بردارد یا توبه کند؛ هیچ چیز در تغییر نعمت‌های خدا و تعجیل انتقام و کبیرش، از اصرار بر ستم، سریع‌تر [و زودرس‌تر] نیست؛ چراکه خداوند، دعا و خواسته مظلومان را می‌شنود و در کمین ستمگران است.

ب) ظلم نکردن به مردم

امام علی علیه‌السلام، به استانداردار فارس فرمود: «اسْتَغْمِلِ الْعَدْلَ وَاحْذَرِ الْعُتْفَ وَالْخَيْفَ فَإِنَّ الْعُتْفَ يُعَوِّدُ بِالْجَلَاءِ وَالْخَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ؛ عدالت را پیشه کن و از تعدی و ظلم [به مردم] دوری گیر؛ زیرا [تجاوز و] تعدی، سبب فرار و دوری [مردم] از تو خواهد شد و ستم، سبب [قیام مردم و] توسل به شمشیر [علیه تو] می‌شود.»

ج) توجه به نیازمندان

خدایی که مردم را آفریده، رزق و روزی همه آنها و هر موجود زنده دیگر را به عهده گرفته و می‌فرماید: «وَمَا مِنْ ذَاتٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛ هیچ جنبه‌ای در زمین نیست، جز آنکه رزق و روزی‌اش بر خداوند است.» این روزی، در دل هستی نهفته؛ پس بر هر انسان، لازم است، روزی و سهم خود را از این گنج‌های الهی، به دست آورد؛ اما فردی که موقعیتی از نظر جسمی و اجتماعی برای او فراهم نیست که بتواند کار کند و نتواند سهم و روزی خود را به‌طور مستقیم از گنج‌های طبیعت به دست آورد، آیا باید حق او از بین برود و زندگی توأم با محرومیت داشته باشد و یا اینکه از شدت گرسنگی، جان بسپارد؟ خیر... زیرا خداوند متان بر توانمندان بر کار و دارندگان ثروت‌های هستی، واجب کرده که آن ناتوان مستمند و عاجز را در به دست‌آوردن روزی و انجام کار کمک کنند. خداوند مهربان، در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ، لِلنَّاسِ وَالْمَخْرُومِ؛ کسانی که در [اموال و] ثرویشان، حقی معین جهت [تأمین] درخواست‌کنندگان و محرومان قرار داده شده است.»

پس اگر ثروتمندان از کمک و تأمین معیشت مستمندان و نیازمندان، سر باز زنند، خداوند متعال، به این، راضی نخواهد شد و شریعت عدالت خیز اسلام، آن را نمی‌پسندد. امیرمؤمنان علیه‌السلام، در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَعْيَانِ أَعْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاءَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غِنًى وَاللَّهُ تَعَالَى، سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛ خداوند سبحان، غذا [و نیاز] فقیران را در اموال ثروتمندان معین کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نیست، مگر آنکه ثروتمندی از آن استفاده کرده باشد و خداوند متعال در این باره از آنها خواهد پرسید.»

امام علیه‌السلام، در نامه‌ای به «قثم بن عباس» فرماندار خود در مکه چنین نوشت: «وَأَنْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاضْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذِي الْعِيَالِ وَالْمَجَاعَةِ مُصِيبًا بِهِ مَوَاضِعَ الْفَاقَةِ وَالْخَلَاتِ؛ نظری افکن به مال‌الله که نزد تو جمع شده است و آن را به مصرف عیال‌مندان و گرسنگان اطرافت برسان؛ به‌طوری که به دست فقرا و نیازمندان برسد.»

آن حضرت در فرمان خود به مالک اشتر نیز چنین می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسِ وَالزُّفْنَى؛ خدا را! خدا را! درباره طبقه پایین [رعایت کن]. آنها که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان، نیازمندان، کسانی که دچار سختی شده‌اند و از کارافتادگان.»

د) برابری فرصت‌ها

یکی از مهم‌ترین مسائل در عدالت اجتماعی، برابركردن فرصت‌ها برای همه است؛ به‌طوری که فرصت استفاده از امتیازات مالی و اقتصادی جامعه به دست گروه مشخصی قرار نگیرد که بر اساس رابطه با دستگاه حکومت و نزدیکی به شخص حاکم بالا آمده‌اند.

امام علیه‌السلام، در این باره موضعی سرسختانه اتخاذ کرد و به مجوز دستیابی به خلافت، فرمود: تمام امتیازات و اموال ناحق را از نزدیکان، دوستان و اقوام خلیفه سابق، خواهد گرفت: «وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِه النِّسَاءُ وَتَمَلَّكَ بِه الْإِمَاءَ لَرَدَّدْتُهُ عَلَی مُسْتَحْقِّهِ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجُورُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ؛ به‌خدا سوگند! آنچه [بیهوده] از بیت‌المال در کابین زنان قرار داده‌اند و یا به‌واسطه آن کنیزانی را مالک شده‌اند، اگر بیابم، به مستحق آن برمی‌گردانم؛ زیرا عدالت، گشایش می‌آورد و آن‌کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ظلم و ستم بر او گران‌تر خواهد بود.»

امام علی علیه‌السلام در آغاز زمامداری خود، تمام فرمانداران سابق را از کار برکنار کرد که در بین آنها معاویه، والی نیرومند شام بود. همچنین در مقابل خواسته‌های نامشروع طلحه و زبیر برای به دست آوردن مقام در حکومت، به‌خاطر بی‌کفایتی آنها برای احراز این پست‌ها، سرسختانه ایستادگی نمود. حضرت، در سیاست، مساوات را اجرا کرد و در توزیع اموال میان مردم با اینکه آنها از نظر فضیلت یکسان و در یک سطح نبودند، فرقی نگذا رد و هنگامی که در این باره گلابه کردند، فرمود: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ فِيمَنْ وَلِيتُ عَلَيْهِ وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِه مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَمَا أَمْ تَجُمُ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ؟ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ؛ آیا به من دستور می‌دهید که برای پیروزی خود، از جور و ستم، در حق کسانی که بر آنها حکومت می‌کنم، استمداد جویم؟! به‌خدا سوگند تا عمر من باقی [و شب و روز برقرار] و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز به چنین کاری دست نمی‌زنم. اگر اموال از خودم بود، به‌طور مساوی در میان آنها تقسیم می‌کردم تا چه رسد به اینکه این اموال، اموال خدا [و متعلق به بیت‌المال] است.

آن امام همام، حتی در برابر خواسته‌های نادرست برادر خویش، عقیل بن ابی‌طالب، ایستادگی کرد. او نزد آن حضرت آمد تا از بیت‌المال مقدار زیادتری طلب کند؛ اما مولا علیه‌السلام، درخواست برادر خود را رد کرد. علی علیه‌السلام این ماجرا را چنین تشریح فرمود:

به‌خدا سوگند! عقیل، برادرم را دیدم که به‌شدت فقیر شده بود و از من می‌خواست که یک مَن از گندم‌های شما را به او ببخشم. کودکش را دیدم که از گرسنگی موهای‌شان ژولیده و رنگ‌شان بر اثر فقر دگرگون شده، گویا صورزشان با نیل رنگ شده بود. عقیل اصرار و چند بار خواسته خود را تکرار کرد. من به او گوش فرا دادم. خیال کرد، دینم را به او می‌فروشم و به دل‌خواه او قدم برمی‌دارم و از راه و رسم خویش دست می‌کشم (اما من برای بیداری و هشداری‌اش) آهنی را در آتش گداختم. سپس آن را به بدنش نزدیک ساختم تا با حرارت آن، عبرت گیرد. ناله‌ای سرداد، همچون بیمارانی که از شدت درد می‌نالند و چیزی نمانده بود که از حرارت آن بسوزد؛ به او گفتم: هان ای عقیل! زنان سوگمند در سوگ تو بگریند. از آهن تفتیده‌ای ناله می‌کنی که انسانی آن را به‌صورت بازپچه سرخ کرده؛ اما مرا به سوی آتشی می‌کشانی که خداوند جبار آن را با شعله خشم و غضبش برافروخته است. تو از این رنج می‌نالی و من از آتش سوزان نالان نشوم؟

فرصت برابر یعنی همین که فرد در اجرای عدالت، بین خود و خانواده و آشنا و غریبه فرقی نگذارد.

ها) اجرای قانون برای همه

نباید قانون، فقط برای مستضعفان، اجرا شود؛ ولی صاحبان مقام و ثروت، در مقابل آن مصونیت داشته باشند. امام علی علیه‌السلام با این شیوه از ظلم و ستم قاطعانه مبارزه کرد و در این باره فرمود: «الدَّلِيلُ عُنْدِي عَزِيْزٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ لَهُ وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيْفٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُ؛ [ستمدیدگانی که در نظرها] ذلیل و پست [هستند]، از نظر من عزیز و محترم‌اند تا حقتان را بگیرم و نیرومندان [ستمگر] در نظر من حقیرند تا حق [دیگران] را از آنها بستانم.

در آن هنگام که یک افسر و یا درجه‌دار ارتش، از مقام خویش که او را در مقابل قانون مصون می‌داشت، سوء استفاده و مردم را تهدید می‌کرد، حضرت، این مصونیت، سوء استفاده و تهدید را حتی در کوچک‌ترین موارد از میان برداشت و در این باره، نامه‌ای به اهالی مسیر حرکت ارتش و سپاه نوشت و فرستاد: «أَمَا يَعْدُ فَإِنِّي قَدْ سَيَّرْتُ جُنُودًا هِيَ مَارَّةٌ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَقَدْ أَوْصَيْتُهُمْ بِمَا يَحِبُّ لِلَّهِ عَلَيْهِمْ مِنْ كَفِّ الْأَذَى وَصَرْفِ الشَّدَا وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى ذِمَّتِكُمْ مِنْ مَعْوَةِ الْجِيْشِ إِلَّا مِنْ جَوْعَةِ الْمُضْطَرِّ لَا يَجِدُ عَنْهَا مَذْهَبًا إِلَى شِبَعِهِ فَتَكَلُّوا مَنْ تَنَاقَلَ مِنْهُمْ شَيْئًا ظُلْمًا عَنْ ظُلْمِهِمْ وَكُفُّوا أَيْدِي سَفَهَائِكُمْ عَنْ مُضَاتَّتِهِمْ وَالْتَعَزُّضُ لَهُمْ فِيمَا اسْتَشْتَيْنَا مِنْهُمْ وَأَنَا بَيْنَ أَظْهَرِ الْجِيْشِ فَارْفَعُوا إِلَيَّ مَطَالِمَكُمْ وَمَا عَرَائِمَ مِمَّا يَغْلِبُكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَا لَا تُطِيقُونَ دَفْعَهُ إِلَّا بِاللَّهِ وَبِي قَاتَا أَعْيَرَهُ بِمَعْوَةِ اللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ اما بعد! من سپاهبانی [را برای نبرد] فرستادم که با خواست خدا از [آبادی‌های] شما می‌گذرند و آنها را به آنچه خداوند بر آنها واجب کرده، توصیه کرده‌ام. [به آنان گفته‌ام که] از آزار مردم و ایجاد ناراحتی‌ها و مشکلات خودداری کنند و من [بدین وسیله] در برابر شما و کسانی که در پناه شما هستند، از مشکلاتی که سپاهیان به وجود می‌آورند، از خود رفع مسئولیت می‌کنم (که آنها حق رساندن هیچ‌گونه زیان را به کسی ندارند)، جز اینکه آنها سخت گرسنه شوند و راهی برای سیرکردن خود نیابند.

ادامه در صفحه بعد